

کاهش درآمد، با کوهی از بدهی روبه‌رو باشد که این بدهی به دلیل پیوستگی بازارهای مالی در سطح کلان، به رکود فعلی منجر شد. ■



### دیدگاه دکتر ابوالقاسم مهدوی، کارشناس و صاحب‌نظر اقتصادی

اصولاً با چند نوع بحران اقتصادی مواجه هستیم. دسته اول هنگامی که اعتبارات داخلی با نرخ ارز ثابت در تعارض باشد، آن کشور نرخ ارز خود را به نرخ ارز شناور تبدیل می‌کند تا جوابگوی شرایط موجود باشد. دسته دوم، به بحران‌های حبابی بر می‌گردد که به دلیل افزایش بدون دلیل قیمت‌ها صورت می‌گیرد. دسته سوم، به بحران‌های Moral Hazard یا همان مخاطرات اخلاقی بازمی‌گردد که کروگمن - برنده نوبل اقتصاد ۲۰۰۸ - به تفسیر آن پرداخته است.

از ابتدای تشکیل علم اقتصاد، همیشه بحث بر سر دولت و بازار و تمرکز یا عدم تمرکز وجود داشته است. در دنیای ما دولت باید وجود داشته باشد، ولی میزان دخالتش مهم است. یعنی باید دولت را به مثابه یک نهاد نظارت‌گر قبول داشته باشیم، اما به شرطی که فقط وظیفه نظارت‌گری داشته باشد. امروزه به دلیل کاهش فواصل زمانی و مکانی بازارها، دیگر نه آزادی کامل معنا دارد و نه دخالت مستمر. گروهی از کارشناسان، آغاز بحران آمریکا را از سال ۱۹۷۵ تلقی می‌کنند اما به نظر می‌رسد که پس از حوادث تروریستی ایالات متحد، فدرال رزرو از ترس فرار سرمایه‌های این کشور، شروع به کاهش نرخ بهره کرد و بدین ترتیب، تسهیلات آسان و البته ارزان و بازدهی بالا در بخش مسکن را سبب شد. در اثر افزایش قیمت در بخش مسکن، سودآوری بیشتر و شتاب بالای تولید و عرضه در این بخش، مازاد عرضه‌ای در بخش مسکن تشکیل شد که به سقوط قیمت مسکن انجامید و به دلیل وسعت اقتصاد آمریکا، این بحران به کل دنیا تسری پیدا کرد و باعث شد که رشد GNP ایالات متحد، کمتر از یک درصد شود. به اعتقاد بسیاری، ریشه‌های این بحران به سفته‌بازی بیش از حد سال‌های اخیر برمی‌گردد، به طوری که ۹۰ درصد حجم مبادله بازار ارز، درخواست‌های بورس بازی و فقط ۱۰ درصد آن مبادله با تجارت بود. همچنین گروهی دیگر بر این اعتقادند که مسبب اصلی این بحران، خود ایالات متحد می‌باشد. به هر حال فکر می‌کنم تمامی موارد بالا در شکل‌گیری بحران اخیر مؤثر بوده‌اند. ■

داد و بدین ترتیب باعث دلگرمی و تشویق ایشان در جهت شکوفایی صنعت فرش کشور شد. به هر ترتیب، لازم است همه سازمان‌های ذیربط، در جهت تولید هدفمند، دست به دست هم دهند تا تولیدات، متناسب با ذائقه بازار و سلیقه مشتریان باشد. بدیهی است که حضور بدون مطالعه در بازار، علاوه بر ایجاد هزینه و اتلاف وقت و انرژی، سبب فرایند تبلیغی در بازارهای خارجی شده و ارزش کار از بین خواهد رفت. بنابراین لازم است که بافندگان و طراحان، ضمن دقت در انتخاب طرح و رنگ، بالحاظ قرار دادن سلیقه و ذائقه بازارهای جهانی، تولیدی موفق و متناسب با نیاز بازار جهانی ارائه دهند. ■

خلاقیت در این حوزه، تا حدود زیادی می‌تواند کمبودها را جبران نماید. تابلو فرش و فرش‌های ابریشمی که از نفیس‌ترین و گران‌ترین فرش‌های صادراتی ایران هستند، فقط ۱۰ تا ۱۵ درصد از صادرات فرش را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که بازار جهانی این محصولات با تقاضای بالایی مواجه است.

طبق آمار موجود، ۶۰ تا ۷۰ درصد شاغلان و بافندگان فرش را زنان تشکیل می‌دهند، در حالی که این کار در حاشیه فعالیت‌های معیشتی قرار دارد و با گسترش پوشش بیمه‌های درمانی، عمر و تأمین اجتماعی، می‌توان میزان اطمینان این قشر از جامعه را نسبت به آتیه کارشان افزایش

### انجمن اقتصاددانان

## عطسه بزرگ

اقتصاد آمریکا با حدود ۱۴ تریلیون دلار محصول ناخالص داخلی، قدرتی است که با یک عطسه کوچک آن، ویروس سرماخوردگی ارکان اقتصاد دنیا را فرا خواهد گرفت.



### دیدگاه دکتر علی رشیدی، نایب رییس انجمن اقتصاددانان ایران

واقعه ۱۱ سپتامبر، شدیدترین بحران روحی را در ایالات متحد پدید آورد و سبب شد تا سقوط شدیدی در بورس آمریکا رخ دهد. برای برون رفت از این اتفاق، فدرال رزرو دخالت کرد و نرخ‌های بهره ۶/۵ درصدی را تا حد یک درصد کاهش داد. در نتیجه این کاهش، ارایه تسهیلات آسان شد و محدودیت‌ها رفع گردیدند که به دلیل اختلاف معنادر و سوددهی نرخ بهره در یافتی و پرداختی برای بانک‌ها و همچنین افزایش مستمر سالانه قیمت مسکن برای مردم، رونق بی‌سابقه‌ای در این بخش به وجود آمد.

دلیل مهم دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، به کار گماردن افرادی از سوی بوش بود که اعتقاد راسخی به اقتصاد بازار داشتند و بر این باور بودند که مکانیزم‌های بازار به صورت خودکار تعدیل خواهند شد. به علاوه افرادی هم به دلیل رشوه‌خواری و نادیده گرفتن قوانین، از مقررات ایالات متحد عدول که این مطلب نیز در بروز بحران کنونی بی‌تأثیر نبوده است. به هر حال، کشوری چون ایالات متحد که اقتصاد آن سالیان متمادی با رونق همراه بوده و مردمان آن ۹۳ درصد از هر یک دلار را بلافاصله خرج می‌کنند، طبیعی است که پس از رکود و



### دیدگاه دکتر باقر قدیری اصل، رییس انجمن اقتصاددانان ایران

بحران یکی از خصوصیات اقتصادهای سرمایه‌داری است. فرق بین رکود و بحران در این است که رکود، توقف تولید را می‌گویند، اما بحران، سقوط تولید است. رکود در مواقعی اتفاق می‌افتد که رونق به بالاترین حد خود برسد و پس از اشباع، تولید به مرحله رکود و اگر کنترل نشود به بحران خواهد انجامید.

بعد از جنگ جهانی اول، قیمت کالاهای کشاورزی به شدت بالا رفت و به همین دلیل، کشورها به دلیل ترس از رکود احتمالی در صنعت، برای صاحبان صنایع تسهیلاتی را در نظر گرفتند و به این ترتیب سبب رونق صنایع شدند که این موضوع، دقیقاً مشابه اتفاق بخش مسکن در ۲۰۰۸ آمریکا بود.

تفاوت بحران فعلی با بحران‌های گذشته در این است که این بار، ایالات متحد با انتقال بسته‌های مالی (اوراق رهنی) مسموم خود به بورس سایر کشورها، آنها را نیز در این بحران سهیم کرده و آن را جهانی ساخت. در حال حاضر ۲۱۰ میلیون نفر بیکار در دنیا داریم. در چنین شرایطی، هیچ بعید نیست که مارکس دیگری ظهور کند، چراکه تحمل اقتصاد لجام‌گسیخته غیرممکن است. ■